

# تاریخ و نظریه اجتماعی

## نوشته پتر برک

### ۱. نظریه پردازان و مورخان:

در این بخش که شامل پنج فصل است، ابتدا تعاریفی از تاریخ و جامعه‌شناسی ارائه شده، سپس رابطه این دو طی قرون هجده، نوزده و اوایل قرن بیستم مورد بررسی قرار گرفته است.

به عقیده برک، چون در قرن هجدهم جامعه‌شناسی به عنوان رشته‌ای مجز مطرح نبود، بین مورخان و جامعه‌شناسان نیز منازعه‌ای وجود نداشت. بنابراین نظریه پردازان اجتماعی آن عصر مثل: منتسیکو، فرگوسن، میلر و آدام اسمیت را می‌توان به عنوان مورخان دارای بینش تحلیلی، یا اگر واژه قرن هجدهم را به کاربریم به عنوان «مورخان فیلسوف منش» قلمداد کرد. پس در قرن هجده (عصر روشنگری)، رابطه تاریخ و نظریه اجتماعی برقرار بود. اما در قرن نوزدهم و به خصوص اواخر آن مورخان نه تنها از نظریه اجتماعی، بلکه از تاریخ اجتماعی هم دور شدند. در واقع در قرن نوزدهم، تاریخ سیاسی دوباره استیلای خود را بدست آورد. رانکه جزء معروفترین مورخان این دوره است. با وجود اینکه او تاریخ اجتماعی را رد نکرد، اما کتاب‌هایش به طور کلی بر دولت متمرکز است. (صص ۱۰۹-۱۲)

تخصصی شدن دانش تاریخی نمادهای تحقیقاتی، مجلات تخصصی و دپارتمان‌های دانشگاهی تاریخ مربوط به قرن نوزدهم است. فوستل دوکولانژ در قرن نوزدهم تأکید می‌کرد که «تاریخ، علم واقعیت‌های اجتماعی، یعنی جامعه‌شناسی حقیقی است» از سویی دیگر انقلاب تاریخی رانکه در قرن نوزدهم، رویکرد جدید به «اسناد» را برای تاریخ سنتی دربرداشت. بنابراین با این دید بعضی از مورخان تاریخ اجتماعی را رد کردند، زیرا نمی‌توانستند آن را به لحاظ علمی بررسی کنند. ویلیام دیلتای و بندتو گروچه نیز جامعه‌شناسی را «شبه علمی» می‌دانستند، زیرا معتقد بودند جامعه‌شناسی کنت و اسپنسر تبیین علی ارائه داده‌اند، لذا شبه علمی هستند. آنها «فهم از درون» را ویژگی علوم انسانی، به ویژه تاریخ می‌دانستند و زبان آن را زبان «تجربه» می‌نامیدند و در مقابل، علیت و تبیین از بیرون را خاص علوم طبیعی می‌دانستند (صص ۱۴-۱۲).

با توصیف فوق، برخلاف قرن هجده که رابطه تنگاتنگی بین



• مجتبی خلیفه

• تاریخ و نظریه اجتماعی

• تألیف: پتر برک

• ترجمه: دکتر غلامرضا جمشیدیها

• ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه

تهران، ۱۳۸۱، ۲۳۸ ص، ۱۲۰۰۰ ریال

• شابک: ۹۶۴-۰۳-۴۵۴۸-۲

### مقدمه:

جامعه‌شناسی را می‌توان به منزله مطالعه جامعه انسانی، با تأکید بر احکام کلی درباره ساخت جامعه و توسعه آن تعریف کرد. تاریخ را بهتر است در کل به عنوان مطالعه جوامع انسانی تعریف کرد که بر تفاوت‌های بین جوامع و همچنین تغییراتی که در هر یک از جوامع در طول زمان صورت گرفته است، تأکید می‌کند. این دو رویکردگاهی متناقض دیده شده‌اند، اما بهتر است آنها را مکمل یکدیگر بدانیم (ص ۸).

کتاب تاریخ و نظریه اجتماعی\* نوشته پتر برک (Peter Burke) سخن از رابطه نزدیک و دیرپای دو حوزه معرفتی فوق، یعنی تاریخ و جامعه‌شناسی دارد. نویسنده کتاب، استاد دانشگاه ساسکس در انگلستان و صاحب آثار بسیاری در زمینه جامعه‌شناسی تاریخی، تاریخ اجتماعی و فلسفه تاریخ است.<sup>۱</sup>

کتاب از مقدمه مترجم، پنج بخش مجزا، کتابشناسی و نمایه ترتیب یافته است که در زیر بخش‌های مختلف کتاب معرفی می‌شوند.



کتاب تاریخ و نظریه اجتماعی نوشته پیتربک (Peter Burke)  
سخن از رابطه نزدیک و دیرپای دوحوزه معرفتی فوق، یعنی  
تاریخ و جامعه‌شناسی دارد

به عقیده برگ، چون در  
قرن هجدهم  
جامعه‌شناسی به عنوان  
رشته‌ای مجزا مطرح  
نبود، بین مورخان و  
جامعه‌شناسان نیز  
منازعه‌ای وجود نداشت

«مدل» عبارت از ساخت ذهنی است که واقعیت را به منظور فهم آن ساده می‌کند. دو مدل معروف، «مدل توافقی» (Consensual) و «مدل تضادی» (The Conflictual) کارل مارکس از مدل‌های معروف مورد استفاده مکاتب جامعه‌شناسی تاریخی هستند (صص ۳۸ - ۳۷).

«روش‌های کمی تحقیق» (Quantitative Methods) تاریخی طولانی دارد. تحلیل آماری مجموعه‌ای کاملاً متناسب با نیاز مورخان است. روش نمونه‌گیری، روش پیشینه‌سازی و توصیف کلی یک مدل از جمله روش‌های مطالعات کمی است.

در روش جزئی‌نگر اجتماعی (The Social Microscope)، جامعه‌شناسان با تاسی به راهنمایی انسان‌شناسی اجتماعی، به تحلیل اجتماعی خود و مورخان به چیزی که تاکنون به عنوان «تاریخ خرد» (Microhistory) شناخته شده است، توجه بیشتری کرده‌اند. دو اثر معروف در مهم جلوه دادن تاریخ خرد نقش اساسی داشته است. یکی منتالیو اثر مورخ فرانسوی ایمانوئل لوروآ لادوری و دیگری پینر وگرم اثر مورخ ایتالیایی کارلو گینز برگ. دومی را می‌توان یک مورد افراطی از روش تاریخی خردنگر تلقی کرد، زیرا هدف عمده کتاب این است که عقاید و جهان‌بینی یک فرد منفرد، یک آسیابان قرن شانزدهمی از شمال شرقی ایتالیا را بازسازی کند (صص ۵۰ - ۴۹).

### ۳. مفاهیم اساسی:

به عقیده برگ هدف عمده این فصل، بررسی استفاده‌ای است که مورخان از دستگاه مفهومی ساخته شده توسط نظریه‌پردازان اجتماعی کرده‌اند یا ممکن است بنمایند. نویسنده هجده مورد از مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده نظریه‌پردازان را در این قسمت مورد بحث و بررسی قرار داده است که برخی از آنها عبارتند از: نقش اجتماعی، جنس و جنسیت، خانواده و خویشاوندی، طبقه، قدرت، مرکز و حاشیه، جنبش‌های اجتماعی، اسطوره و...

تذکر مهم پیتربک راجع به این مفاهیم، ارتباط این مفاهیم با زمینه‌های فرهنگی جوامع خاصی است که از آن برآمده‌اند. وی به

تاریخ و علوم اجتماعی برقرار بود، در قرن نوزدهم شاهد جدایی این دو رشته و انتقاد شدید مورخان و جامعه‌شناسان از یکدیگر هستیم. افرادی چون توکویل (Alexis de Tocqueville)، مارکس و اشمولر (Gustav Schmöller) هم که در راستای ترکیب تئوری و تاریخ گام برداشتند، مواردی استثنایی بودند.

سه جامعه‌شناس مشهور ابتدای قرن بیستم و اواخر قرن نوزدهم، پارتو، دورکیم و وبر اشخاصی مطلع و صاحب‌نظر در تاریخ بودند. ماکس وبر علاقمندترین جامعه‌شناس قرن بیستم به علم تاریخ است.

در واقع قرن بیستم نیز با نزدیکی جامعه‌شناسی و تاریخ همراه بود. حرکت اساسی در نزدیکی تاریخ و جامعه‌شناسی در فرانسه (دانشگاه استراسبورگ) دهه ۱۹۲۰، از سوی مارک بلوخ (Marc Bloch) و لوسین فور (Lucien Febvre) صورت گرفت. حرکتی که از نظر آنها به سوی «نوع جدیدی از تاریخ» بود. به اعتقاد آنها به جای تاریخ سیاسی باید چیزی جایگزین شود که «تاریخ وسیع‌تر و انسانی‌تر» می‌نامیدند؛ تاریخی که تمام فعالیت‌های انسان را شامل می‌شود و با نقل حوادث کمتر مرتبط است. در دو کشور فرانسه و آمریکا تاریخ اجتماعی برای مدت نسبتاً طولانی جدی گرفته شد. (صص ۲۳ - ۲۲)

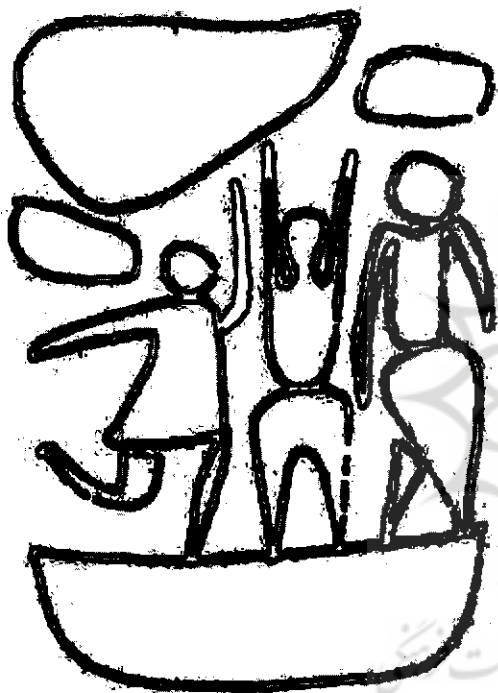
### ۲. مدل‌ها و روش‌ها:

در این فصل درخصوص چهار رویکرد کلی که در بین رشته‌های مختلف مشترکند یعنی مقایسه، استفاده از مدل‌ها، روش‌های کمی و به‌کارگیری جزئی‌نگری اجتماعی بحث شده است.

دورکیم، مقایسه (Comparison) را خود جامعه‌شناسی می‌داند نه شاخه‌ای از آن. او بر ارزش مطالعه «تغییر همزمان» به‌خصوص به عنوان نوعی «از تجربه غیرمستقیم» تأکید کرده است، زیرا این امکان را فراهم آورده که جامعه‌شناس از توصیف یک جامعه به تحلیل اینکه چرا آن جامعه شکل خاصی می‌گیرد حرکت کند. ماکس وبر، زومبارت، بارینگتون مور، اسکاچ پل، مارک بلوخ و بسیاری دیگر نیز طرفدار روش مقایسه‌ای بوده و در آثارشان از آن بهره برده‌اند. با این وجود در این روش نقاط ضعفی وجود دارد. (صص ۳۵ - ۳۱).

به عقیده پیتر برک روان‌شناختی به سه روش می‌تواند مورد استفاده مورخان قرار گیرد:

- ۱- ره‌ساختن مورخان از فرضیات مبتنی بر درک عامه درباره طبیعت
- ۲- نظریه روان‌شناختی در به وجود آمدن روند نقد منبع نقش دارد
- ۳- روان‌شناسان در بحث درباره ارتباط فرد و جامعه مشارکت دارند



خواننده گوشزد می‌کند که استفاده از این مفاهیم در زمان‌های دیگر و در جامعه‌ای دیگر، به سازگاری مفاهیم با اوضاع خاص فرهنگی جوامع جدید نیازمند است. (ص ۶۱) در واقع بومی کردن مفاهیم جامعه‌شناسی جهت کاربرد در جوامع جدید امری است که نیاز اساسی تحقیقات اجتماعی می‌باشد، که البته در جامعه ما کمتر مورد اقبال واقع شده است.

#### ۴. مسائل اساسی:

فصل چهارم کتاب روی سه دسته از تضادهای فکری متمرکز است:

- ۱) تضاد بین عقیده مربوط به کارکرد (یا ساخت) از یک سو و عقیده مربوط به عامل انسانی (کنشگران) از سوی دیگر.
- ۲) دیدگاه مربوط به فرهنگ به عنوان روینای صرف و فرهنگ به عنوان نیروی فعال در تاریخ.
- ۳) تضاد بین این نظر که مورخ‌ها، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و دیگران، واقعیت‌های مربوط به وضع حال یا گذشته جوامع را در اختیار ما می‌گذارند و این نظر که آنچه آنها ارائه می‌دهند، نوعی افسانه و غیرواقعی است. (ص ۱۳۱)

بنابراین در این فصل پنج مقوله کارکرد، ساخت، روان‌شناسی، فرهنگ و واقعیات و افسانه مورد بررسی قرار گرفته است.

کارکرد در یک مفهوم ساده این است که نهادها کارکرد مختص به خود را دارند. رویکرد کارکردگرایی از حدود سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ م. در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی تأثیرگذار بوده است. جاذبه کارکردگرایی برای مورخان این است که ضعف و نواقص تمایل سنتی مورخان برای تبیین حوادث گذشته را بر حسب مقاصد افراد جبران می‌کند. (صص ۳۴ - ۱۳۳)

به عقیده برک لزومی ندارد که تصور کنیم هر نهادی در یک جامعه معین، بدون هیچ هزینه‌ای (کارکرد نامناسب) کارکرد مثبتی دارد و یا اینکه یک نهاد معین ضرورتاً باید کارکرد خاصی داشته باشد. در جوامع یا دوره‌های مختلف، نهادهای مختلف ممکن است دارای کارکردهای برابر، مشابه یا متفاوت باشند. از این نظر است که مفهوم کارکرد در بین مجموعه مفاهیم کلیدی مورخان واژه‌ای مفید است. (ص ۱۳۷)

تجزیه و تحلیل کارکردی نه با مردم که با «ساخت‌ها» (Structure) سرو کار دارد. سه رویکرد مهم به ساخت عبارتند از: - رویکرد مارکسیستی، که در آن پایه یا زیرساخت به کمک اصلاحات اقتصادی درک می‌شود.

- رویکرد فونکسیونالیست ساختی. در این رویکرد مفهوم «ساخت» به طور کلی برای اشاره به مجموعه‌ای از نهادها (خانواده، دوست، سیستم قضایی و غیره) استفاده می‌شود.

- ساخت گراها، که از کلود لوی اشتراوس گرفته تا رولند بارتز و حتی میشل فوکو، به طور عمده به ساخت‌ها یا سیستم‌هایی از تفکر یا فرهنگ علاقمند بودند.

به عقیده پیتر برک روان‌شناختی به سه روش می‌تواند مورد استفاده مورخان قرار گیرد:

۱. ره‌ساختن مورخان از فرضیات مبتنی بر درک عامه درباره طبیعت.

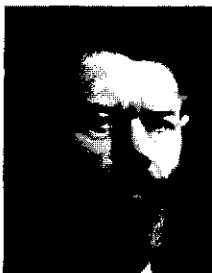
۲. نظریه روان‌شناختی در به وجود آمدن روند نقد منبع نقش دارد. از جمله در بررسی یادداشت‌های روزانه و زندگینامه‌ها به عنوان مدرک تاریخی، نه تنها سبک‌های ادبی و فرهنگی متن بلکه سن نویسنده و موقعیت او در دوران زندگی نیز باید در نظر گرفته شود.



برخلاف قرن هجده که رابطه تنگاتنگی بین تاریخ و علوم اجتماعی برقرار بود، در قرن نوزدهم شاهد جدایی این دو رشته و انتقاد شدید مورخان و جامعه‌شناسان نسبت به هم هستیم

در فصل پنجم، دو مدل نظری در تفسیر تاریخ (مدل تضاد مارکس و مدل تکامل اسپنسر) بررسی شده و به نقاط قوت و ضعف هر یک در تفسیر تحولات تاریخی اشاره رفته و در این راستا مدل تئوریک‌سومی ارائه شده است

▼ ماکس وبر



بومی کردن مفاهیم جامعه‌شناسی جهت کاربرد در جوامع جدید امری است که نیاز اساسی تحقیقات اجتماعی می‌باشد

نیز در این تئوری وجود دارد که امکان تفسیرهای مختلف را برای تأکید بر نیروهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و برای بحث در این مورد که آیا نیروهای تولیدی روابط تولیدی را تعیین می‌کنند یا برعکس، فراهم آورد. (ص ۱۷۵)

برک در پاسخ به ضعف‌های مدل اسپنسر و مارکس به مدل تئوریک یا راه سوم که آن را جامعه‌شناسی تاریخ می‌نامد معتقد است که در واقع ترکیبی از آن دو روش است. از این نظر، برک گزارش الکسی دو توکویل دربارهٔ انقلاب فرانسه را نمونه‌ای مناسب از تلفیق این دو روش می‌داند.

در پایان این فصل شش تک‌نگاری (۱- «فرآیند تمدن» نوشته نوبرت الیاس، ۲- «انضباط و تنبیه»، اثر میشل فوکو، ۳- اثر فرنال برودل دربارهٔ حوزهٔ مدیترانه در عصر فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا، ۴- اثر لوروا لادوری دربارهٔ آب و هوا ۵- اثر ناتان وائل دربارهٔ پرو پس از فتح اسپانیا، ۶- گزارش مارشال سالیز دربارهٔ ورود کاپیتان کوک به هاوایی در سال ۱۷۷۹ م) را بررسی نموده است.

کتاب تاریخ و نظریه اجتماعی، اثری جامع و بدیع در زمینه مباحث جامعه‌شناسی تاریخی است. نویسنده در کمترین صفحات، در حد امکان کلیاتی دربارهٔ این رشته بیان نموده و به حق چیزی را فروگذار نکرده است.

کتاب همچنین از ترجمه‌های روان برخوردار است که جای تقدیر و تشکر از مترجم محترم دارد. البته کتاب دارای اغلاط چاپی فراوانی است که امید است در چاپ‌های بعدی تصحیح گردد. در پایان کتاب وجود کتابنامه‌ای با بیش از ششصد عنوان مآخذ مفید دربارهٔ جامعه‌شناسی تاریخی بر ارزش کتاب بیش از پیش افزوده است.

پی‌نوشت‌ها:

\* برک، پیتر: تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه غلامرضا جمشیدیه‌ها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

۱. برخی از آثار برک به قرار زیر است:  
- Culture and Society in Renaissance Italy, Cambridge, 1972.  
- Popular Culture in Early Modern Europe, London, 1978.  
- The French Historical Revolution: The Annales School 1929-1989, Cambridge, 1990.

۲. در مقابل تاریخ کلان یا Macrohistory

۳. روان‌شناسان در بحث دربارهٔ ارتباط فرد و جامعه مشارکت دارند. (صص ۴۵-۱۴۴).

در پایان این فصل نیز دو مبحث فرهنگ و واقعیات و افسانه و کارکرد آن در جامعه‌شناسی و تاریخ بررسی شده است.

۵. نظریه اجتماعی و تغییر اجتماعی:

در فصل پنجم دو مدل نظری در تفسیر تاریخ (مدل تضاد مارکس و مدل تکامل اسپنسر) بررسی شده و به نقاط قوت و ضعف هر یک در تفسیر تحولات تاریخی اشاره رفته و در این راستا مدل تئوریک‌سومی ارائه شده است.

اصطلاح «تغییر اجتماعی» اصطلاحی چندپهلوی است. بعضی اوقات در معنای محدود استفاده می‌شود که در این صورت به تغییرات در ساخت اجتماعی اشاره می‌کند (به عنوان نمونه، تعادل بین طبقات مختلف اجتماعی)، اما همچنین در معنای بسیار وسیع‌تر نیز به کار می‌رود که سازمان سیاسی، اقتصاد و فرهنگ را دربرمی‌گیرد. در این فصل برک بر تعریف وسیع‌تر تأکید نموده است.

به نوشته برک، مدل تکامل اسپنسر عنوان مناسب برای مدلی است که بر تکامل اجتماعی تأکید می‌کند. به عبارت دیگر، تغییر اجتماعی که تدریجی و تراکمی (تکامل در برابر انقلاب)، و اساساً از درون (درون‌زا در برابر برون‌زا) ناشی می‌شود. روند درون‌زا اغلب بر حسب «تمایز ساختاری» ترسیم می‌شود.

به عبارت دیگر، تغییر از شکل ساده، غیرتخصصی و غیررسمی به شکل پیچیده، تخصصی و رسمی، یا به بیان خود اسپنسر تغییر از «همگون نامنسجم» به «ناهمگون منسجم». این مدل تغییر اجتماعی توسط دورکیم و وبر هم مورد استفاده واقع شده است. (ص ۱۶۵).

برک با اذعان به محاسن مدل تکاملی اسپنسر، انتقادهای وارد به این مدل را نیز بازگو کرده است. وی در انتقاد به مدل تکاملی می‌گوید: تغییر اجتماعی چند خطی است تا تک خطی، برای رسیدن به نوگرایی بیش از یک راه وجود دارد و این راه‌ها ضرورتاً آرام نیستند. (ص ۱۷۵).

مدل تغییر اجتماعی مارکس (مدل تضاد) هم مدلی است که انگلس، لنین، لوتاکچ، گرامشی و دیگران در آن سهم بوده‌اند. این مدل را می‌توان به عنوان مدل یا نظریهٔ توالی جوامع (ساخت‌های اجتماعی) توصیف کرد که مبتنی بر سیستم‌های اقتصادی (شیوه‌های تولید) است و در بردارندهٔ تضاد درونی (تناقض‌ها) می‌باشد که منجر به بحران، انقلاب و تغییر گسیخته می‌شود. به عقیدهٔ برک ابهاماتی